یادداشت روز

برجام منطقه‌ای اروپا علیه ایران

اختلافات آمریکا و اروپا در مورد ایران بر سر چی است و تا چه حدی است؟ آیا می‌توان از این اختلافات برای ضربه زدن به آمریکا استفاده کرد؟ سوابق در این میان چه چیزی را نشان می‌دهد؟ و دست آخر چه خواهد شد؟

اگرچه طی یک هفته اخیر بارها شـــاهد بیان مطالبی از سوی مقامات فرانسوی، انگلیسی و آلمانی بودیم که با سخنان دونالد ترامپ درباره ایران متفاوت بود. اما، اگر به آنچه از طرف مقامات این چهار کشور غربی که طرف اصلی ما در پرونده هسته‌ای بودند، مطرح شده، نظر بیفکنیم در می‌یابیم که آنان در مورد موضوعاتی که علت اصلی تقابل مقامات کاخ سفید با ایران است، وحدت نظر داشته و در اینکه باید در این موارد با آمریکا همراه باشند، تردیدی باقی نگذاشتند.

واقعیت این است که اروپایی‌ها اعلام می‌کنند که خروج رسمی از برجام و یا تغییر مفاد آن را قبول ندارند و معتقدند این «دستاورد بزرگ دیپلماتیک غـــرب» نباید با اما و اگرهایی به مخاطره بیفتد. آنان معتقدند برجام یک مدل موفق برای مهار دولت‌هایی است که برنامه‌ای -اعم از هسته‌ای و غیر هسته‌ای- جدای از ساختار رسمی غرب دارند و از این رو اگر از طرف غرب یا ایران از بین برود و یا از آن اعتبارزدایی صورت گیرد، نمی‌توان در جهانی که در حال گذار است و هیچ قدرت تثبیت شده‌ای در آن وجود ندارد، امور را به گونه‌ای که بدون جنگ به دستاورد مطلوب غرب منتهی شود، مدیریت کرد. دولتمردان اروپایی ادعا می‌کنند ترامپ بدون آنکه بداند چه می‌کند در مواجهه با ایران، در عمل اعتبار برجام را در معرض تردید قرار می‌دهد به گمان اینکه می‌تواند سند پرمنفعت‌تری را بر ایران تحمیل کند و این در حالی است که ترامپ هم در نهایت حاضر به ترک برجام که یک دستاورد پرمنفعت برای غرب می‌باشد، نیست.

کشورهای اروپایی، آنطور که از سخنان مقامات آلمان، انگلیس و فرانسه فهمیده می‌شود معتقدند آنچه رئیس‌جمهور آمریکا در درون برجام دنبال آن می‌گردد در کنار برجام قرار داشته و به اندازه خود برجام مشروعیت دارد و الزام‌آور می‌باشد. یعنی قطعنامه ۲۲۳۱ و بیانیه مشترک کشورهای ۱+۵. اروپایی‌ها می‌گویند کنترل منطقه‌ای ایران و کاستن سیستماتیک از قدرت جمهوری اسلامی که در برجام به آن «اشارت» رفته و در قطعنامه و بیانیه مورد اشاره به تفصیل درباره آن بحث شده است، این فرصت و امکان را در اختیار غرب قرار می‌دهد تا ایران را وادار به توافق در مورد قدرت منطقه‌ای خود کند. تفاوت آمریکا با اروپا در این است که به گمان آمریکایی‌ها ایران را نمی‌توان وادار به پذیرش برجام دیگری کرد ولی می‌توان از او خواست تا برای برجامی که پای آن را امضا کرده و بیش از غرب به حفظ آن علاقه دارد، دوباره پای میز مذاکره آمده و از طریق برجام محدودیت در قدرت منطقه‌ای خویش را بپذیرد. این در حالی است که اروپایی‌ها معتقدند آنچه مقامات دولت ایران را پای میز مذاکرات منتهی به برجام آورد، باور به فردایی بهتر بود. آنان معتقدند، مذاکرات هسته‌ای و چهره خندان مقامات مذاکره کننده ایرانی ســـبب شد که مردم و بعضی از جناح‌های سیاسی در ایران به گمان فردایی بهتر از تیم مذاکره‌کننده و از مصوبه آنان حمایت نمایند. اروپایی‌ها می‌گویند با توجه به اینکه حفظ «قدرت منطقه‌ای ایران» فقط یک خواست حاکمیتی و دولتی نیست بلکه خواسته‌ای ملی نیز می‌باشد، بدون طی فرایندی که به گمان مردم پذیرش چنین محدودیتی در نهایت وضع آنها را بهبود می‌بخشد، حاصل نمی‌شود و از این رو پشیمان کردن مردم ایران از برجام- کاری که ترامپ می‌کند- ضربه‌ای اساسی به نیروهایی است که بدون کمک آنان و بدون برخورداری آنان از حمایت مردمی نمی‌توان برجام تازه‌ای منعقد کرد و از طریق آن به موقعیت ممتاز و رشک‌برانگیز منطقه‌ای ایران آسیب وارد نمود.

براین اساس می‌توانیم با اطمینان زیادی بگوئیم آمریکا و اروپا از آنجایی که در اصل ضرورت مهار قدرت رو به افزایش منطقه‌ای ایران وحدت‌نظر دارند به زودی به توافق می‌رســـند و همانطور که به طور ضمنی در نطق روز جمعه ۲۱ مهرماه ترامپ آمد، جبهه دوباره‌ای مرکب از این کشـــورها علیه نفوذ منطقه‌ای ایران ذیل واژه دروغین «تروریزم» شکل می‌گیرد. در این بین سخن این است که دو کشور چین و روسیه چه موضعی خواهند داشت. اگر به مواضع این دو کشور نظر بیندازیم نارضایتی آنان از برنامه جدید علیه ایران را مشاهده می‌کنیم در این بین کشورهای غربی معتقدند چین در نهایت با آنان همراه می‌شود ولی در مورد روسیه تردیدهای جدی دارند کمااینکه مقامات روسیه حتی تهدید کرده‌اند که در مقابل هر برنامه جدید ضد ایرانی خواهند ایستاد. جبهه جدیدی که ترامپ دنبال آن است و ترکیبی از آمریکا، اروپا و بعضی از دولت‌های شرور منطقه‌ای نظیر رژیم صهیونیستی و دولت سعودی خواهد بود، یک ابتکار عمل به حساب نمی‌آید چرا که پیش از این و از اولین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی چنین جبهه‌ای وجود داشته و بارها هم از جمهوری اسلامی شکست خورده است. آنان البته با نگاه به تسلیم شدن ایران در پرونده هسته‌ای گمان می‌کنند، شرایط داخلی ایران نسبت به دهه قبل تغییر کرده و اینک ایران در برابر «فشار شدید» کوتاه می‌آید که البته این جمعبندی درستی نیست.

آمریکا و اروپا کماکان روی «فشار اقتصادی» بر ایران تمرکز خواهند کرد چرا که حداقل در ده سال آینده امکان اعمال قدرت نظامی علیه ایران وجود ندارد از نظر غرب فشار اقتصادی تبعات جنگ را ندارد چرا که شلیک هر گلوله به سمت اهداف ایرانی می‌تواند به شلیک متقابل گلوله‌ای به سمت اهداف غربی در منطقه منجر شود. ولی در حوزه اقتصادی امکان واکنش متقابل از ســـوی ایران وجود ندارد. البته این نکته را نمی‌توان از نظر دور داشت که دشمن در کمین می‌ماند تا اگر روزی براثر بعضی فعل و انفعالات، جبهه داخلی ایران ضعیف شد و توان دفاعی آن تحت فشار داخلی قرار گرفت، از طریق نظامی وارد شود و با سرعت بیشتر کار ایران را تمام کند. کما اینکه شاهد بودیم که در تیرماه ۱۳۸۸ به یک‌باره استراتژی آمریکا از فشار اقتصادی به حمله نظامی تغییر کرد ولی تا خواست حمله را شروع کند، فتنه داخلی در ایران به نقطه پایانی خود رسیده بود.

روش آمریکا در مواجهه با ایران، حسب آنچه در پرونده هسته‌ای شاهد بودیم- ترکیبی از فشار، جبهه‌سازی و مذاکره است. آمریکایی‌ها از جنبه خارجی تلاش می‌کنند تا محیط تنفسی جمهوری اسلامی را تنگ کنند و به گونه‌ای وانمود شـــود که گویا همه درب‌ها در خارج روی ایران بسته است و حال آنکه همه می‌دانیم که در دنیای امروز و با وجود هزاران نهاد فرادولتی در بخش‌های تجاری، صنعتی، کشاورزی و... بستن درب روی یک کشور امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر آمریکایی‌ها به بعضی رخدادها از قبیل شیوع اعتراضات صنفی- که بعضی از آنها، ناشی از ناکارآمدی و خلف وعده بعضی از مسئولان و دستگاه‌های کشور است- دل بسته‌اند و معتقدند نیروهایـــی در ایران برای «تغییر» به آنان کمک می‌کنند و صد البته اینها گمانه‌زنی‌های خامی است که فقط ابلهان آن را باور می‌کنند.

از منظر آمریکایی‌ها، وجود یک جبهه بین‌المللی و منطقه‌ای همانگونه که در بحث هسته‌ای توانست به فشار بر ایران وجاهت ببخشد و کار آمریکا علیه ایران را با هزینه‌ای کم به نتیجه برساند، می‌تواند ایران را به حاشیه رینگ ببرد و او را وادار به دادن امتیاز نماید. اما واقعیت این است که اگر هم اینک کشـــوری به یک «جبهه موثر» دسترسی دارد، آن کشور ایران است. برخلاف عربستان و نیز برخلاف اروپا، اینک ایران به یک جبهه موثر منطقه‌ای -از آب‌های دریای عمان تا آب‌های مدیترانه -شکل داده است. جبهه‌ای که در مدت کم و با هزینه‌ای اندک توانســـت دولت‌های دوست را حفظ کرده و جریانات معارض را ناکام بگذارد. ماجرای کردستان عراق که تقریبا بدون تلفات و در کوتاهترین زمان به ســـامان رسید یک نمونه از موفقیت و سرزندگی جبهه‌ای است که نقطه فرمان آن در تهران است.

آمریکا و اروپا معتقدند در ایران جریانی وجود دارد که کماکان «مذاکره» را در سطح ملی پیش می‌برد و ضرورت آن را جنبه همگانی می‌بخشد. از نظر آنان در ایران به اندازه کافی نیروهایی هستند که اهداف غرب را با زبانی ایرانی به مخاطب منتقل کرده و در دو سطح نخبگان و دولتمردان یارگیری نمایند. بر این اســـاس غربی‌ها روی گسترش رفت و آمد سیاسی مقامات اروپایی به ایران تاکید دارند. از نظر آنان سفر مقامات فرانسوی و انگلیسی و آلمانی به ایران بدون آنکه به توافق اقتصادی منجر شود، تصویری از یک اروپای قابل اعتماد به ذهن شهروند ایرانی منتقل می‌کند و این به طرفداران مذاکره در ایران کمک می‌کند تا پروژه جدیدی که مبتنی بر مهار قدرت منطقه‌ای و در واقع نقطه پایان گذاشتن بر حیات «انقلاب اسلامی» است، ابتدا در ساحت ملی و سپس در حاکمیت آغاز کرده و ادامه کار را به طرف اروپایی بسپرد و در نهایت زیر قراردادی امضا کند که هر جزء آن یک بخش کلیدی از قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را نشانه رفته باشد.

البته پر واضح اســـت که اروپایی‌ها گمان می‌کنند ایران در زیر سلطه نیروهایی است که مذاکره را مهم‌ترین راه‌حل به حساب می‌آورند. آنان گمان می‌کنند در ایران دولتی بر سر کار است که در برابر فشار تسلیم می‌شود. این البته تصور درســـتی از حکومت و جامعه جمهوری اسلامی نیست. مردم ایران به خوبی می‌دانند که استقامت در برابر فشار ظالمانه بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه رسیدن به جامعه‌ای «امن» و «آباد» است.

سعدالله زارعی

بررسی تقسیم کار اروپا و آمریکا در گزارش کیهان

اروپا شریک دزد است کشور را از چاله به چاه نیندازید!

سرویس سیاسی-

امید بســـتن به اروپایی‌ها برای در امان ماندن از تهدید آمریکا، افتادن از چاله به چاه و به عبارتی در دام شغال افتادن از هراس چنگ و دندان نشان دادن گرگ است.

«موضع گیری صریح اتحادیه اروپـــا درخصـــوص طـــرح برجام ثانویه؛هـــر چـــه تهـــران بگوید»، «اروپا،آمریکا نیست»،«اروپا علیه تکروی ترامپ»،«اروپا برای حمایت از برجـــام جبهه واحد تشـــکیل می‌دهد»،«هشدار برجامی سران ۲۸ کشـــور اروپایی به ترامپ»و... ایـــن موضع‌گیری‌ها در کنار دیگر مـــوارد مشـــابه در ایـــن روزها به تیتر اول و عنوان یادداشـــت‌ها و گزارش‌های روزنامه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات تبدیل شده است.

همـــان جماعتی کـــه دیروز- همزمان با عهدشکنی‌های گسترده آمریکا در برجام- تاکید داشـــتند که «امضای کری تضمین است» و «آمریکا به واســـطه یک توافق اعتبار بین‌المللی خود را خدشـــه دار نمی‌کنـــد» و «اروپایی‌هـــا آقا اجازه هستند و آمریکا کدخداست؛ بستن با کدخدا راحت‌تر است» و «ما به مذاکره با آمریکا خوش‌بین هســـتیم» پـــس از ناکامـــی در خوش‌بینـــی به آمریـــکا، حالا به اروپای آقا اجازه- به تعبیر مقامات ارشـــد دولت آقـــای روحانی- دل خوش کرده‌اند!

چندی پیش «ریچارد هاویت» (تهیه‌کننده سند راهبردی اتحادیه اروپا دربـــاره روابط با ایران) گفته بود: «توافق هسته‌ای(برجام) یک نقطـــه عطف بود؛ هرچند که همه مشکلات ما با ایران درباره اسرائیل، دموکراسی و حقوق‌بشر حل نشده اســـت... نیروهایی در داخل ایران، درحال اعمال فشـــار بر حاکمیت هستند و ما امیدواریم گزارش ما نیز باعث پیشرفت در این زمینه شود».

یکی از اندیشکده‌های معروف آمریکا، در زمان ریاست جمهوری «بـــاراک اوبامـــا »- رئیس‌جمهور سابق آمریکا- پروژه «نرمال سازی ایران» را پیشـــنهاد کرد.براساس ایـــن پـــروژه آمریکا می‌بایســـت سلســـله اقداماتـــی را درخصوص ایـــران اجرا کند.اولیـــن مورد آن بحـــث هســـته‌ای و از بین بردن دستاوردها و پیشرفت هسته‌ای ما بود به طوری که مقامات آمریکایی با اجرای برجـــام تاکید کردند که واشنگتن توانســـت بدون شلیک حتی یک گلوله برنامه هســـته‌ای ایران را از بین ببرد. محدودکردن و توقف فعالیت‌های موشکی، قطع حمایت ایـــران از محور مقاومت، پذیرفتن اینکه ایران نباید قدرت منطقه‌ای باشـــد، پذیرفتن شروط غرب در مســـئله حقوق بشر و در نهایت به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی.

در حقیقت برجام نه به عنوان عاملی برای لغـــو تحریم‌ها، بلکه نقشـــه راهی برای نرمال ســـازی ایران اســـت. به همین دلیل است که تاکنـــون تقریبا و تحقیقا هیچ دستاوردی برای ایران نداشته است.

در حـــال حاضـــر دو گـــروه ســـهل‌اندیش و مأموریـــت‌دار با بازی در پازل دشمن، نقش جاده صاف‌کن طرح‌های مغایر با منافع ملی را ایفا می‌کنند.

تقسیم کار

در نشســـت پنجشـــنبه هفته گذشته سران اروپایی در بروکسل، کشـــورهای اروپایـــی ابتدا بر حفظ برجام تاکید کردند. این موضع گیری با استقبال رسانه‌های زنجیره‌ای در داخل ایران همراه شد. اما نکته مهم این نشست که رســـانه‌های مدعی «دانستن حق مردم است» ترجیح دادنـــد آن را نادیـــده بگیرند تاکید انگلیس، فرانسه و آلمان برای افزایش فشارها به ایران بود.

«امانوئـــل ماکـــرون» رئیس‌جمهور فرانسه پس از این نشست در جمع خبرنگاران با اشاره به برنامه موشکی ایران گفت:«با وجـــود احترام کامل بـــه برجام، مخالف توسعه برنامه موشکی ایران هستیم و به زودی با دیگر رهبران اروپایـــی در این بـــاره گفت‌وگو خواهیم کرد».

روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال در روزهای گذشته با اشاره به همراهـــی اروپا با آمریکا علیه ایران نوشت:«بنا بر گفته برخی دیپلمات‌ها، چندین رهبر شامل ترزا می نخســـت‌وزیر انگلیس، آنگلا مـــرکل صدراعظم آلمان و امانوئل ماکـــرون رئیس‌جمهور فرانسه بر اهمیت حفظ فشار بر ایران بر ســـر موضوعاتی از قبیل آزمایش‌های موشکی بالستیک و فعالیت‌هـــای منطقه‌ای ایران تاکید کردند».

نکته قابل تأمل اینجاست که برخلاف هیاهوی برخی دولتمردان و رسانه‌های زنجیره ای، اظهارات مقامات اروپایی درخصوص ایران هیچ تفاوتی بـــا اظهارات مقامات آمریکایی ندارد.

مقامات آمریکایی-کاخ سفید و کنگـــره- در هفته‌های اخیر به صراحـــت اعلام کرده‌انـــد که باید برجـــام از یک توافـــق مدت‌دار به توافقی دائمی تبدیل شده و مسائلی از جملـــه توان موشـــکی ایران و قدرت منطقه‌ای کشورمان نیز به آن اضافه شود.

ایـــن اظهارنظر مختص دولت ترامـــپ نیســـت. بـــاراک اوبامای مـــودب! و باهـــوش! (تعبیری که مقامات ارشد دولت یازدهم به کار بردند) هم در این مســـئله دقیقا بـــا دولت ترامپ هـــم عقیده بود. اوباما در کنفرانس خبری نشست امنیت هســـته‌ای در واشـــنگتن -فروردین ۹۵- گفت:«روح توافق هســـته‌ای و شـــرط برخورداری ایـــران از امتیـــازات اقتصـــادی، کنار گذاشـــتن توانایی موشکی و متوقف کردن اقدامات منطقه‌ای از سوی ایران است».

«جـــان کری» وزیـــر خارجه سابق آمریکا نیز- دی ماه ۹۵- در یادداشتی که به مناسبت نزدیک شدن به روزهای پایانی حضور در کابینه آمریکا نوشـــته بود، تاکید کرد: «مذاکرات با تهران برای عقب نشـــاندن ایران از برنامه هسته‌ای بـــه نتیجه رســـید و حـــالا دولت بعـــدی آمریکا باید ضمـــن ادامه اعمال فشـــار بر ایرانی‌هـــا، برای عقب نشاندن برنامه موشکی ایران تلاش کند».

بقیه در صفحه ۱۰

آقای عراقچی! برجام عبرت است نه الگو

سرویس سیاسی-

معاون وزیر امور خارجه گفته است که می‌توان از الگوی برجام در راستای حل وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات استفاده کرد. این در حالی است که برجام نه به عنوان یک الگو و دستاورد، بلکه به عنوان یک تجربه بسیار مهم و البته پرهزینه در مقابل دیدگان افکار عمومی قرار دارد.

عبـــاس عراقچی معـــاون وزیر خارجه و رئیس‌ستاد پیگیری اجرای برجام در پنـــل تخصصی برجام در کنفرانس عدم‌اشاعه در مسکو گفت: در حالی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مستمرا پایبندی ایران به توافق برجام را مورد تایید قرار داده است، ایالات متحده آمریکا به تعهدات خود پایبند نبـــوده و صراحتا روح و متن برجام را در موارد متعددی مورد نقض قرار داده است.

عراقچی افـــزود: بزرگ‌ترین مورد تخلف از برجام مربوط به عدم پایبندی آن کشور به بندهای ۲۶، ۲۸ و ۲۹ برجام است. بر اساس این بندها آمریکا متعهد شده است برجام را همراه با حسن نیت و در فضایی ســـازنده اجرا کند و از هر عملی که باعث خدشه دار شدن منافع ایران از رفع تحریم‌ها می‌شود خودداری کند. به ویژه آن کشور مکلف به رعایت این اصول در سخنان عمومی مقامات خود می‌باشـــد که تاکنون بدان عمل نکرده است.

وی در ادامه گفت: آمریکا در حالی که خود ناقض برجام است، ادعای نقض برجام توسط سایرین را دارد و خود را در جای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داده و زیاده خواهی هم می‌کند! این روال مسلما نمی‌تواند ادامه پیدا کند و آمریکا می‌بایســـت مسئولیت هرگونه تبعات این اقدام خود را بپذیرد.

معاون وزیر خارجه خاطرنشان کرد: روشـــن و صریح می‌گویم هیچ امکانی برای مذاکـــره مجدد برجام و یا الحاق ضمائم و اضافات به آن وجود ندارد.

به گزارش مهر، عراقچی تاکید کرد: برجام نه تنها دستاوردی برای دیپلماسی در راســـتای حل وفصل مسالمت‌آمیز اختلافـــات به شـــمار مـــی‌رود، بلکه فصل جدیدی نیز در نظام عدم‌اشـــاعه سلاح‌های هسته‌ای گشوده است.

حل وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات!

نکته قابل تأمل در اظهارات عراقچی آنجاست که وی علیرغم اذعان به نقض متن و روح برجام توسط آمریکا، برجام را به عنـــوان الگویی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات معرفی می‌کند!

این در حالی است که برجام نه به عنوان یک الگو و دستاورد، بلکه به عنوان یک تجربه بسیار مهم و البته پرهزینه در مقابل دیدگان افکار عمومی قرار دارد.

برخی دولتمردان و رسانه‌های به ظاهر حامی دولت پس از امضای برجام مدعی بودند کـــه «تحریم‌ها به تاریخ پیوســـت» و «صبح بدون تحریم» فرا رسید.بر همین اســـاس آقای روحانی تاکید کرد کـــه در دی ماه ۹۴ تمامی تحریم‌های ضدایرانی بالمره لغو خواهد شد و نه تعلیق. اما در نهایت «تحریم‌ها پابرجاماند و هسته‌ای رفت».

برجام از ابتدا در قالب یک قرارداد یکطرفه بـــه «اقدامات نقـــد ایران در مقابل وعده‌های نســـیه طرف مقابل» تبدیل شد.

متاسفانه متن برجام و ضمائم آن، آن‌قدر خلل و فرج ریز و درشت دارد که آمریکایی‌ها هر روز طمع کنند از یکی از این ســـوراخ‌ها چنگ و دندانی نشان دهند. در حال حاضر آمریکا با همراهی کشورهای اروپایی عضو ۱+۵ به دنبال آن هستند تا محدودیت‌ها و بازرسی‌های بی‌سابقه برجام دائمی شده و مسائلی ماننـــد نابودی یا مهار توان موشـــکی جمهوری اســـلامی و قدرت منطقه‌ای کشورمان نیز به آن اضافه شود.

روزنامـــه آمریکایی وال اســـتریت ژورنال در روزهای گذشـــته بااشـــاره به همراهی اروپـــا با آمریکا علیه ایران نوشت:«بنا بر گفته برخی دیپلمات‌ها، چندین رهبر شامل ترزامی‌نخست‌وزیر انگلیس، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه بر اهمیت حفظ فشـــار بر ایران بر سر موضوعاتی از قبیل آزمایش‌های موشکی بالستیک و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران تاکید کردند».

برجام، برای آمریکا حیاتی است

«وندی شرمن» معاون سابق وزیر خارجه آمریکا و مســـئول پیشین تیم مذاکره آمریکا در گفت‌وگوهای هسته‌ای در پنـــل تخصصی برجام در کنفرانس عدم‌اشاعه در مسکو گفت: برجام، برای امنیت ملی آمریکا، حیاتی است.

نظرســـنجی جدید شبکه خبری ســـی‌ان‌ان نشـــان می‌دهد حدود ۶۷ درصد از مردم آمریکا خواستار ماندن کشورشان در توافق هسته‌ای با ایران و گروه ۱+۵ هستند.

گفت و شنود

هندونه

گفت: آقای عراقچی گفته است برجام یک الگوی خوب برای حل مسائل منطقه است!

گفتم: یعنی همانطور که برای آمریکا دستاورد طلایی داشت و برای ما فاجعه آفرید می‌تواند منطقه را هم به نفع آمریکا با فاجعه روبرو کند؟!

گفت: تعجب‌آور است که هنوز متوجه نشده‌اند آمریکا و اروپا سرشان را کلاه گذاشته‌اند!

گفتم: چه عرض کنم؟! شخصی در اتوبوس دوتا دستش را مثل دسته پارچ به کمرش زده و ایستاده بود. یکی از مسافران اعتراض کرد و گفت؛ آقای عزیز! لطفا دستهایتان را پایین بیاورید، مزاحم دیگران است و طرف نگاهی به دست‌هایش کرد و با تعجب گفت؛ پس اون هندونه‌ها که زیر بغلم بود کو؟!

خبر ویژه

تنزل وعده‌های برجامی به واردات گوسفند و گاو

یکی از مدیران اوبربانک اتریش می‌گوید به خاطر ادامه تحریم‌ها، همچنان اطمینان به سرمایه‌گذاری و همکاری با ایران وجود ندارد.

کلودیـــا رامل مدیر تجارت بین‌الملل در اوبربانک اتریش در همایشـــی در وین گفته اســـت: وقتی که برجام امضا شـــد ما دور هم جمع شدیم تا ببینیم چطور می‌توانیم از صادرکنندگان اتریشـــی حمایت کنیم و این ایده اول ما بود و در ژانویه ۲۰۱۶ (زمان اجرایی شدن برجام) انتظار نداشتیم که یکی از اولین بانکهایی باشـــیم که با ایران کار خواهیم کرد اما به هر حال تلاش کردیم که از صادرکنندگان اتریشی حمایت کنیم.

وی در ادامه با ذکر نکاتی از جمله اینکه ایران دومین اقتصاد بزرگ خاورمیانه است، جمعیت جوان و طبقه متوسط مصرف کننده بزرگی دارد، افزود: شما با این مسائل آشنا هستید اما از سوی دیگر کار کردن با ایران همچنان برای شرکتهای اتریشـــی یک چالش اســـت زیرا همه تحریم‌ها برداشته نشده و همانطور که در رسانه‌ها شـــنیده‌اید، ما اوضاع بسیار بدی داریم و نمی‌دانیم که وضعیت تغییر می‌کند یا نه و آیا مانع کار می‌شود یا نه.

رامل با بیان اینکه ما تنها قادر به کار کردن با یورو هســـتیم و با دلار کار نمی‌کنیم افزود: اقتصاد ایران مبتنی بر صدور نفت است که با دلار قیمت‌گذاری می‌شـــود و در نهایت یک صادرکننده اتریشـــی باید به یورو پول بگیرد و شما (شرکتها) باید این ریسک را در نظر داشته باشید که دریافت یورو و انتقال آن از ایران به اتریش یکی از چالشها است.

در حالی که اعلام شده ایران ۱۳ رأس گوسفند از فرانسه وارد می‌کند، رامل گفت: اولین مشتری اتریشی که با ایران کار کرد، یکی از شرکتهای بزرگ نبود بلکه یک شرکت کوچک کشاورزی بود که «گاو» به ایران صادر کرد بله درست شنیدید گاو صادر کرد.

وی افزود: وقتی که آن مدیر شرکت از کارش صحبت کرد من تعجب کردم من در فکر پروژه‌های بزرگ و کارخانه‌های بزرگ بودم اما یک شرکت کوچک از استان «اتریش سفلی» آمد و کارش را با صدور گاو آبستن به ایران شروع کرد. بنابراین همواره به فکر کارهای خیلی بزرگ نباشید.

وی مشـــکل دیگر را مشـــکل فاینانس توصیف کرد و گفت چالش واقعی فاینانس بلندمدت است.

وی این را هم گفته که «باید صبر کنیم ببینیم دوستانمان در آن سوی دنیا در روزهای آینده چه خواهند کرد. اول باید این مسئله حل شود.»

علاقه دولت به واردات گاو و گوسفند از اروپا در حالی است که پیش از این گفته می‌شود قرار است سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری جذب شود.

گزارش سایت اصلاح‌طلب از علت اختلاف جهانگیری با دولت

یک ســـایت اصلاح‌طلب نوشت اسحاق جهانگیری اختلافات جدی با دولت پیدا کرده است.

به گزارش جوان، انصاف نیوز نوشـــت: «اسحاق جهانگیری به خاطر برخی مشکلات و اختلافات در آستانه جدایی از دولت است؛ او در دولت دوازدهم مورد مشـــورت رئیس‌جمهور قرار نمی‌گیرد. محمود واعظی عملاً جای جهانگیری را در کابینه گرفته اســـت. در انتخاب استانداران نیز استانداران اصلاح طلب دوره خاتمی بلاتکلیف مانده‌اند.»

انصاف‌نیوز به نقل از منبع خود نوشـــت: «یکی از مرتبطین می‌گفت دولت هیـــچ برنامه‌ای برای اقتصادش ندارد. حتی برخی مدیران بانک‌های خارجی که برای همکاری اقتصادی به کشور آمده بودند پس از مدتی بلاتکلیفی دست خالی بازگشـــته‌اند. مدیر یکی از بانک‌های عمان که به دستور سلطان قابوس سه بار برای بازگشـــایی ال‌سی به ایران آمده است بعد از اینکه از داخل ایران مشخص نکردند باید با که گفت‌وگو کند، دست خالی برگشته است.»

احساس حقارت مقام آمریکایی در قبال قاسم سلیمانی

مقام سابق وزارت دفاع آمریکا می‌گوید ما از قاسم سلیمانی به عنوان تروریست یاد می‌کنیم اما ایرانی‌ها او را قهرمان خود توصیف می‌کنند.

«مایکل روبین» کارشناس ارشد اندیشکده آمریکایی نومحافظه کار «امریکن اینترپرایز» و از مقامات سابق وزارت دفاع آمریکا در گزارشی در واشنگتن اگزمینر نوشت: «از هر تحلیلگر اطلاعاتی یا افسر نظامی آمریکا بپرسید به شما می‌گویند «قاسم سلیمانی» رئیس (فرمانده) نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک تروریســـت است. او مسئول کشته شدن صدها آمریکایی و با پشتکار قابل ملاحظه‌ای و در آستانه تسخیر عراق، در بی‌ثباتی آن کار کرد که به موجب آن در تمامی منطقه سیگنالی فرستاد که به جای تمجید از آمریکا، آن را نفرین کنند.

اگر از بســـیاری از ایرانی‌ها درباره ســـلیمانی بپرسید، همه وی را به عنوان یک قهرمان توصیف می‌کنند، بسیاری از مقامات در ایران «حرف» می‌زنند اما سلیمانی «عمل» می‌کند. زمانی که علی خامنه‌ای رهبر عالی ایران از مسندی آراسته سخنرانی می‌کند، سلیمانی در صحنه (نبرد) با سربازان ایرانی و غیرایرانی که ایران از آنها حمایت می‌کند، چای می‌نوشد.

کوتاه اینکه، در ایران و در میان نظامیان ایرانی، ســـلیمانی از شـــهرت یک رزمنده واقعی بهره می‌برد نه مانند «جیمز متیس» وزیر دفاع آمریکا که اینطور نیست. علاوه بر این، سلیمانی در عراق و در هر جای دیگری چهره‌ای متفاوت دارد، یک استاد معامله‌گر و یک دیپلمات برجسته است.

برخلاف پشـــت پرده بحران کرکوک، این سلیمانی بود که برای اجتناب از خونریزی میان اتحاد میهنی کردستان، شبه نظامیان شیعه و (نیروهای) دولت فدرال عراق پادرمیانی کرد؛ با وجود تمام حرف‌هایی که درباره فرقه‌گرایی ایران زده می‌شود، حتی سیاستمداران سنی برای انجام امور و اینکه صدایشان شنیده شود و مانع از گسترش بحران شوند، درباره گفت‌وگو با سلیمانی حرف می‌زنند.

این فقط در مورد عراق نیســـت، در ســـوریه هم همین‌طور است، سلیمانی حضور دارد، وی به دولت سوریه و به تحکیم کنترل حزب‌الله کمک کرده است.

در همـــان حال وی قبایل و ائتلاف سیاســـی را همزمان برای ایجاد توازن درگیری به نفع اسد، اعزام می‌کند و در حالی که تحلیلگران آمریکایی به درستی سفر اخیر سلیمانی به روسیه را نقض تحریم‌های سازمان ملل می‌دانند، در همان زمان این سفرها همچنان بر نقش سلیمانی تاکید دارند.

نکات سه‌گانه در این مورد: نخست آنکه ایران نه تنها استراتژی بلکه پرسنلی برای هماهنگی و به اجرا درآوردن آن دارد. دوم، با تمامی نزدیکی جان کری وزیر خارجه سابق آمریکا با جواد ظریف سلیمانی کارگزار واقعی است.

سوم، آمریکا می‌تواند از نفوذ ایران در عراق و هر جای دیگری شکایت کند، اما تا زمانی که وزارت خارجه آمریکا و پنتاگون خواسته باشند با رهبران عراق آنگونه که سلیمانی در بطن کار قرار دارد، رفتار کنند، برای عراق بسیار دشوار خواهد بود که تعهد آمریکایی‌ها را جدی بگیرند.

«برت مک گورک» فرستاده ویژه خود را به عنوان یک دیپلمات قابل ثابت آمریکا کرد، اما وی از روال و استحکامی که سلیمانی از خود به خرج می‌دهد، برخوردار نیســـت و هم اینکه عراقی‌ها می‌دانند وی از اختیاراتی که سلیمانی از رهبر عالی ایران دارد، از کاخ‌سفید برخوردار نیست، کسی که بیم قدم گذاشتن در صحنه نبرد دارد، نمی‌تواند نفوذی برای بازی داشته باشد. اکنون زمان مواجه شدن با واقعیت قاسم سلیمانی فرا رسیده است.

لالیبرته: اروپا در نقشه ترامپ نقش پلیس خوب را بازی می‌کند

یک روزنامه فرانسوی‌زبان نوشت رفتار دیوانه‌وار و تهدیدآمیز ترامپ عمدی و در قالب نقشه معروف «پلیس خوب/پلیس بد» انجام می‌شود.

روزنامه لالیبرته در گزارشـــی درباره راهبرد جدیـــد آمریکا در قبال توافق هسته‌ای با ایران نوشت: ترامپ در این پرونده به دنبال کسی می‌گردد که نقش «پلیس خوب» را برایش ایفا کند.

دونالد ترامپ چند سال پیش کتابی تحت عنوان «هنرمعامله» نوشت. وی در این کتاب گفته است که گاهی برای عقد قراردادهای چندین میلیون دلاری ناچار می‌شده تا نقش «آدم بد» را بازی کند.

اگر قرار است ترامپ در معامله با ایران یک راهبرد معین داشته باشد، قطعا باید به نوشته‌های خود در آن کتاب رجوع کند.

ترامپ روز جمعه راهبرد جدید خود را در قبال ایران اعلام کرد و گفت که نمی‌تواند پایبندی تهران را به توافق هسته‌ای وین تائید کند.

تهدیدات ترامپ علیه ایران شیوه‌ای برای دریافت امتیازات بیشتر از تهران است و هر پلیس بد، به یک پلیس خوب نیاز دارد.

درخصوص ایـــران نیز اروپا بهترین مهره شـــرطبندی ترامپ در این بازی برای ایفای نقش پلیس خوب خواهد بود، در حالی که ترامپ به ایرانی‌ها چماق نشـــان می‌دهد، اروپایی‌ها تطمیع می‌کنند. به عبارت دیگر نقش فزاینده اروپا در اقتصاد ایران بهترین اهرم قابل دسترس برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

به رغم غرور ایران، اوضاع اقتصادی همچنان پاشـــنه آشـــیل این کشـــور محسوب می‌شود.

کلید اصلی در دست دولت ترامپ این است که اروپایی‌ها را ترغیب و متقاعد سازد که تشدید فشار بر ایران به نفع آنها خواهد بود.

آمارهای سرمایه‌گذاری خارجی غالباً روی کاغذ است

یـــک روزنامه اصلاح‌طلب حامی دولت تصریـــح کرد آمارهای دولتی درباره سرمایه‌گذاری خارجی، غالباً روی کاغذ است و واقعیت ندارد.

روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی نوشت: طبق پیش‌بینی‌های برنامه ششم توســـعه قرار است، ۶۵ میلیارد دلار ســـرمایه خارجی وارد اقتصاد کشور شود و به این پشـــتوانه دولت بخشی از منابع مالی برای دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصدی را تأمین کند. برای تحقق این هدف کاغذی، در یک سال اخیر خبرهای زیادی روی خروجی رسانه‌ها قرار می‌گیرد؛ از امضای تفاهمنامه‌های بین ایران و کشورهای دیگر گرفته تا انجام مذاکرات میان مقامات داخلی با طرف‌های مشابه دول مختلف. اما آن طرف در داده‌های کمی، دســـتاوردها به فربگی هدف‌های روی کاغ